



تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۷

## نگرش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان تهران در رابطه با طرح حذف آزمون سراسری و جایگزینی آن با سوابق تحصیلی

بهر روز کاوه‌ئی \*

رقیه باقی‌یزدل \*\*

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی نگرش دانشجویان در خصوص طرح حذف آزمون سراسری و جایگزینی آن با سوابق تحصیلی می‌پردازد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی استان تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۷ و حجم نمونه ۲۰۰ نفر بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که ۷۶/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند. ۳۹ درصد از پاسخ‌دهندگان بهترین گزینه برای ورود به آموزش عالی را آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی می‌دانند. همچنین نظر پاسخ‌دهندگان در مورد مهمترین عوامل ناموفق بودن برخی از داوطلبان مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس نتایج حاصل، ۳۶ درصد پاسخ‌دهندگان عدم وجود انگیزه (بالاترین درصد) و ۵ درصد پاسخ‌دهندگان نبود کلاس‌های کمک آموزشی (کمترین درصد) را اعلام داشتند. نظر پاسخ‌دهندگان در مورد نوع ورود به آموزش عالی مستقل از جنس و تعداد دفعات شرکت در آزمون آنهاست. نظر پاسخ‌دهندگان در مورد نقاط قوت و ضعف این طرح نیز مورد بررسی قرار گرفت. ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اعمال سابقه تحصیلی در گزینش نهایی برای رشته‌های دانشگاهی را نقطه قوت و ۷۱ درصد آنها عدم وجود آزمونهای استاندارد و نهایی در سیستم آموزش و پرورش را نقطه ضعف این طرح می‌دانند. به نظر پاسخ‌دهندگان روش بهینه برای ورود به دانشگاه‌ها، اجرای ترکیبی آزمون سراسری (با افزودن بخش استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد) همراه با تأثیر سوابق تحصیلی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** طرح حذف آزمون سراسری، سوابق تحصیلی، گزینش علمی.

## مقدمه

امروزه ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که روز به روز در حال توسعه و پیشرفت‌های همه جانبه می‌باشد و تلاش برای دستیابی به موقعیت‌های خوب اجتماعی امری مهم و ضروری است. این مساله تلاش برای کسب موقعیت دانشگاهی بهتر و به تبع آن کسب شغل بهتر را ضروری می‌سازد. بهبود کیفیت آموزش و سرمایه‌گذاری روی منابع آموزشی و انسانی از عواملی موثر بر رشد و توسعه همه جانبه کشورها به حساب می‌آیند. به خصوص ورود به نظام آموزش عالی که با جذب دانشجویان شایسته و مستعد می‌تواند نقشی اساسی و کلیدی در توسعه و پیشرفت کشور داشته باشد، باید به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد. نیروی انسانی کارآمد و کاردان با دانش تخصصی لازم، به عنوان برجسته‌ترین عامل پیشرفت هر کشور خواهد بود. تربیت تخصصی این افراد توسط نظام آموزش عالی کشور انجام می‌شود. چنین نهادی که حامل این رسالت خطیر و ملی می‌باشد به نوبه خود بایستی داوطلبان ورود به دوره‌های فنی و تخصصی را به بهترین شکل ممکن گزینش کند. تاثیر این نظام در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه اهمیت چگونگی فرایند گزینش و سنجش داوطلبان را برای ورود به آموزش عالی دو چندان می‌کند.

در کشور ما به دلیل میزان بالای تقاضا برای ورود به نظام آموزش عالی و عرضه محدود آن، آزمون سراسری دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین رخدادهای کشور تبدیل شده است (اگرچه در سال‌های اخیر ظرفیت دانشگاه‌ها افزایش یافته است اما هنوز برای رشته‌هایی خاص تعداد متقاضیان خیلی بیشتر از ظرفیت این رشته‌ها می‌باشد). رخدادی که زمان و هزینه‌های بسیاری را به خود اختصاص داده و نتیجه آن تاثیرات روحی و روانی زیادی را برای داوطلبان و خانواده‌های آنها به همراه دارد (قلی پور و همکاران، ۱۳۸۵).

آزمون سراسری بر اساس اطلاعات ثبت شده در سازمان سنجش آموزش کشور با پیشینه‌ای حدود ۵۰ سال در تعیین سرنوشت داوطلبان ورود به آموزش عالی نقش اساسی داشته است و به نوعی می‌توان آن را از نظر طراحی و اجرا منحصر به فرد دانست. اگر آزمون‌ها را به

طبقه‌های «هنجار مرجع<sup>۱</sup> و ملاک مرجع<sup>۲</sup>»، «مقیاس بزرگ<sup>۳</sup> و مقیاس کوچک<sup>۴</sup>»، «خطیر<sup>۵</sup> و کمتر خطیر»، «گزیده پاسخ<sup>۶</sup> و ساخته پاسخ<sup>۷</sup>»، «ملی و منطقه‌ای» و «درونی<sup>۸</sup> و بیرونی<sup>۹</sup>» تقسیم کنیم (پاشاشریفی، ۱۳۸۴)، آزمون سراسری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را می‌توان آزمونی هنجار مرجع، در مقیاس بزرگ، خطیر، گزیده پاسخ، ملی و بیرونی دانست که هدف اصلی آن سنجش دانش ورودی داوطلبان ورود به دانشگاه و گزینش آنان برای ادامه تحصیل در مراکز آموزش عالی کشور است. این آزمون‌ها در اکثر نظام‌های آموزشی، به شیوه‌های مختلف وجود دارند و در برخی کشورها مانند ترکیه، پاکستان، چین و ژاپن همانند ایران به صورت متمرکز و سراسری برگزار می‌شوند.

ضرورت انتخاب عده‌ای معدود از میان داوطلبان ورود به آموزش عالی پدیده‌ای است که شروع آن به چند دهه قبل باز می‌گردد. در این باره، دلایل و توجیهات گوناگونی وجود دارد از جمله:

- تقویت نظریه نخبه گرایی پس از بروز جنگ جهانی دوم به دلیل عدم تعادل میان تعداد داوطلبان و ظرفیت طبیعی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.
- کمبود نیروی انسانی متخصص (استاد) و پایین آمدن سطح توانایی و دانش در میان دریافت کنندگان مدرک پایان آموزش متوسطه (تقریباً در همه کشورهای جهان).
- تحت فشار قرار گرفتن مؤسسات آموزش عالی به دلیل افزایش داوطلبان ورود به آموزش عالی.
- ارتقای کلی سطح آرزوها و خواست‌های والدین و جوانان در جامعه‌های پیشرفته پس از جنگ (نورشاهی، ۱۳۷۷).

1. Norm referenced
2. Criteria referenced
3. Large scale
4. Small scale
5. High stack
6. Selected response
7. Construct response
8. Internal
9. External

آزمون‌ها چه در بعد پیشرفت تحصیلی و چه در ابعاد دیگر، تاثیرات مثبت فراوانی بر زندگی انسان‌ها داشته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به بحث عدالت محوری آنها اشاره نمود. برگزاری آزمون‌های استاندارد در سطح بالای حفاظتی به شرکت‌کنندگان این اطمینان را می‌دهد که دانسته‌های آنها به روشی عادلانه سنجیده شده و در نهایت شایسته‌ترین آنها گزینش می‌شوند. در میان انواع گزینش‌ها، گزینش داوطلبان ورود به آموزش عالی از طریق آزمون از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. برگزاری این آزمون‌ها در مقیاس وسیع اثرات مثبت و منفی زیادی را بر زندگی داوطلبان خواهد داشت که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

اثرات مثبت آزمون‌هایی در مقیاس وسیع را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

این آزمون‌ها دانش آموزان را به کار سخت‌تر، زیرکانه‌تر و اثربخش‌تر تشویق کرده و به معلمان کمک می‌کنند که نیازها و نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان و برنامه‌های درسی را تشخیص داده و از آنها برای بهبود روش‌های تدریس، هماهنگ کردن آموزش با استانداردهای آزمون، تمرکز بر محتوای آزمون در برنامه درسی و آماده کردن دانش‌آموزان برای آزمون استفاده کنند (فادیا ناصر، ۲۰۰۷).

از جمله اثرات منفی این آزمون‌ها کاهش تلاش و عزت نفس و افزایش ترس از امتحان در دانش‌آموزان می‌باشد. همچنین باعث توسعه نگرش منفی نسبت به سنجش و کاهش اطمینان به تصمیم‌هایی که بر اساس نتایج سنجش اتخاذ می‌شود می‌گردد (فادیا ناصر، ۲۰۰۷).

این نکته بدیهی است که میزان جمعیت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، صنعت، وضعیت جغرافیایی و تاریخی، موقعیت استراتژیک و ... دخالت مستقیم در نحوه گزینش دانشجو دارد. لذا در برخی از کشورهای ورودی دانشگاه‌ها به صورت متمرکز (سراسری) برگزار می‌شود (مانند: ژاپن، چین، فنلاند، ایرلند و روسیه) و در برخی دیگر به صورت غیرمتمرکز (مانند: رومانی، اسپانیا و اوکراین) (قلی پور و همکاران، ۱۳۷۹). در برخی کشورها نیز پذیرش دانشجو بدون آزمون ورودی صورت می‌گیرد (مانند: کانادا، استرالیا، عمان، هلند، ایتالیا، سوئیس، آلمان (مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴)). می‌توان با تحلیل و بررسی منطقی روش‌ها و استفاده از تجارب کشورهای موفق که در مسائل علمی پیشتاز هستند و نیز همسو کردن آنها با فرهنگ سنتی ایران، در جهت گزینش دانشجو به بهترین شکل ممکن بهره جست.

تاریخچه مختصری از آزمون سراسری تا زمان ارائه طرح حذف کنکور وزارت علوم برای انجام گزینش دانشجو، «مرکز آزمون‌شناسی» را در بهمن ماه ۱۳۴۷ تاسیس نمود. اولین آزمون ورودی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۴۸ به صورت سراسری برگزار شد و تعداد ۴۷۷۰۳ نفر داوطلب در آن شرکت کردند. در این آزمون گزینش دانشجو برای ۱۲ دانشگاه و موسسه آموزش عالی انجام گرفت.<sup>۱</sup> در بهمن ماه ۱۳۵۴ تشکیلات سازمان سنجش آموزش کشور با سه حوزه معاونت فنی‌پژوهشی، اجرایی و نظارت بر امور دانشگاه‌ها به تصویب رسید. در آن سال طرح آزمایش همگانی و گزینش دانشجو پس از تصویب در شورای مرکزی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به اجرا گذارده شد و بر اساس آن به معیارهای زیر توجه شد (نورشاهی، ۱۳۷۷):

۱. معدل امتحانات نهایی.

۲. نتایج آزمایش همگانی.

۳. شرایط و ضوابط اختصاصی دانشگاه‌ها.

طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ در شیوه‌های گزینش دانشجو تغییر خاصی اعمال نشد. در سال ۱۳۵۷ بخش‌های سوابق تحصیلی و معدل امتحانات نهایی از روش گزینش حذف شدند و در سال ۱۳۵۸ آزمون سراسری به دو روش متمرکز و نیمه متمرکز و بدون شرط سنی برگزار شد (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۷۹) و در سال ۱۳۶۱ به دنبال تقاضای روز افزون اجتماعی برای ورود به آموزش عالی، فعالیت بخش غیر دولتی آموزش عالی که پس از انقلاب متوقف شده بود بار دیگر با تاسیس «دانشگاه آزاد اسلامی» به طور رسمی آغاز گردید و موسسات آموزش عالی غیر دولتی و غیرانتفاعی تاسیس شدند (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳). در این سال آزمون سراسری برای رشته‌های پزشکی، فنی‌مهندسی، کشاورزی، الهیات و معارف اسلامی برگزار شد (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۷۹)، همچنین آموزش عالی از راه دور و نیمه حضوری که طی دهه اول انقلاب تعطیل شده بود، دوباره از سال ۱۳۶۵ با تاسیس دانشگاه پیام نور به طور رسمی آغاز به کار کرد (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳). در سال ۱۳۷۱، امکان

۱. «مراحل تحول گزینش دانشجو در ایران»، نشریه اندیشه جامعه، شماره ۶، صفحات مختلف.

انتخاب رشته برای داوطلبان از ۱۵۰ رشته به حداکثر ۱۰۰ رشته کاهش یافت و گزینش در تعداد زیادی از رشته‌ها به صورت بومی استانی، ناحیه‌ای و قطبی انجام شد.<sup>۱</sup> در سال ۱۳۷۴ گزینش به صورت غیر متمرکز صورت گرفت. در سال ۱۳۷۵، آزمون مرحله دوم در هر یک از گروه‌های آزمایشی تصویب شد. در سال ۱۳۷۶، آزمون برای داوطلبان نظام جدید در یک مرحله و برای داوطلبان نظام قدیم به همان شیوه سابق اجرا شد (نورشاهی، ۱۳۷۷). با توجه به گسترش انفجاری آموزش عالی کشور، کنکور سراسری نیز دستخوش تغییرات بسیار زیادی از جمله وضع روش‌های گزینش پیچیده مانند بومی‌گزینی، سهمیه بندی مناطق و غیره شد. شیوه کنونی آزمون به صورت متمرکز و چهار گزینه‌ای می‌باشد (طرح پیشنهادی سنجش و پذیرش دانشجو برای دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، ۱۳۸۷) به استثنای تعدادی از رشته‌ها مانند تربیت بدنی که بخش عملی آزمون جزو لاینفک آن است و به صورت نیمه متمرکز انجام می‌شوند.

### طرح حذف کنکور

طرح حذف کنکور که از سال ۱۳۸۵ در دستور کار کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی قرار داشت به دلیل اختلاف نظرهای دولت و مجلس مدام به تعویق می‌افتاد. سرانجام کلیات این طرح با اصلاحاتی در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید و بررسی جزییات آن به بعد موکول شد. مطابق این طرح می‌بایست کنکور سراسری تا سال ۹۰ حذف و شرط پذیرش دانشجو، سوابق تحصیلی دوران دبیرستان باشد.

در سال ۱۳۸۶ پس از تصویب قانون حذف کنکور در مجلس شورای اسلامی، قانونگذار در ماده چهارم، کمیته کارگروه حذف کنکور را تعیین کرد. اعضای این کارگروه شامل وزرای آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور (دبیر کارگروه) و اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی هستند.

۱. "سازمان سنجش آموزش کشور، فعالیت‌ها و اقدامات سازمان سنجش آموزش کشور". تهران، مرداد ۱۳۵۶، صفحات مختلف.

با اینکه قانون حذف کنکور سراسری در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، وزارتخانه‌های مربوطه تا سال ۸۷ موفق به ایجاد هماهنگی‌های لازم در این راستا و اجرای مقدمات حذف کنکور نشدند. وزیر علوم در آبان‌ماه ۸۸ پیشنهاد به تعویق افتادن سه ساله اجرای قانون حذف کنکور را به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد.

با وجود برنامه‌ریزی‌های چند ساله برای حذف کنکور در سال ۹۰ و جایگزین شدن سوابق تحصیلی برای گزینش دانشجویان، فرآیند حذف کنکور عملی نشد و بر همین اساس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفت زمان حذف کنکور را سال ۱۳۹۴ اعلام کند. طبق مصوبه مجلس در ماده ۱۰، آخرین کنکور به شیوه فعلی در سال ۱۳۹۳ برگزار خواهد شد و از سال ۱۳۹۴ با اجرایی شدن این قانون، به تدریج وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری موظف به حذف کنکور و افزایش تاثیر سابقه تحصیلی در پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها خواهد بود. همچنین بر اساس این مصوبه، سوابق تحصیلی سال‌های دوم و سوم دبیرستان داوطلبانی که سال ۱۳۹۴ در کنکور سراسری شرکت می‌کنند، در پذیرش ایشان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی موثر خواهد بود (مصوبه مجلس شورای اسلامی - مردادماه ۱۳۹۲).

بر اساس گزارش داخلی دفتر طرح و آمار سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۱۳۹۰، تعدادی از نقاط ضعف وارد شده به طرح حذف آزمون سراسری به صورت زیر بیان شدند:

\* استاندارد سازی آزمون‌های نهایی: موضوعی که می‌توان آن را به عنوان یک دغدغه مهم و اصلی در مساله گزینش و پذیرش دانشجو قلمداد کرد.

\* امنیت آزمون نهایی: بدیهی است که برگزاری چنین آزمون‌هایی با گستردگی و ملی بودن آن می‌بایست از امنیت و حفاظت حساس و بالایی برخوردار باشد تا بتواند اطمینان و اعتماد ملی را نسبت به خود جلب نماید، در غیراین صورت نمی‌توان با تسامح به برگزاری این آزمون‌ها اقدام کرد.

\* وجود ضعف در ارتباطات سیستماتیک بین وزارتخانه‌های علوم و آموزش و پرورش که از الزامات اجرای قانون پذیرش دانشجو است. تحقق این امر نیازمند ایجاد زیرساخت‌های اساسی می‌باشد.

\* مشکل داوطلبان فاقد سوابق تحصیلی: گزینش سوابق تحصیلی فقط برای دارندگان دیپلم آزمون سال ۸۴ به بعد اعمال می‌گردد که آزمون آنها بصورت کشوری برگزار گردیده، برای داوطلبانی که دیپلم خود را قبل از سال ۸۴ کسب نموده و امتحانات اخذ دیپلم آنها کشوری نبوده است، چه تدبیری اندیشیده شده است؟

\* ملاک قانون پذیرش دانشجو چگونه خواهد بود؟ چنانچه معدل کتبی دیپلم ملاک پذیرش داوطلبان باشد، در آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ فقط در گروه ریاضی، تعداد ۹۲۲ نفر معدل کتبی دیپلم بالای ۱۹,۵۰ و در مجموع ۴۴۶۷ نفر بالاتر از ۱۹ داشته‌اند و این واقعیت که اغلب دارندگان رتبه‌های برتر این گروه، رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف را به عنوان اولین انتخاب خود ثبت کرده‌اند و ظرفیت مورد نظر تنها ۱۰۰ نفر است! اولویت بندی پذیرش داوطلبان برای یک ظرفیت ۱۰۰ نفری چگونه خواهد بود؟ چه تفاوت واقعی و معنی داری بین معدل‌های ۱۹,۶۳ و ۱۹,۶۲ است؟ (در آن سال تعداد ۶۲ نفر معدل ۱۹,۶۲ داشته‌اند). مشکل می‌توان ادعا کرد بین معدل ۱۹,۶۲ و ۱۹,۶۳ از نظر آماری، اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

\* مشکلات پذیرش بر اساس نتایج آزمون‌های تشریحی دوره متوسطه:

\* تاثیر نظرات شخصی و قضاوت‌های ذهنی تصحیح‌کنندگان در تصحیح و نمره‌دهی سوال‌های تشریحی.

\* عدم امکان تصحیح پاسخ‌های تشریحی به صورت سوال به سوال با توجه به تعداد زیاد ورقه‌های امتحانی.

\* وقت‌گیر بودن و ضرورت بهره‌گیری از افراد متخصص جهت تصحیح سوال‌های تشریحی.

\* درصد پوشش مباحث آموخته شده در سوالات تستی، بسیار بیشتر از آزمون تشریحی است (تعداد سوال بیشتر).

\* عدم امکان تصحیح اوراق امتحانی به صورت کشوری.

\* متضرر شدن داوطلبان مناطق محروم: یک بررسی آماری که بر روی معدل و نمره کل شرکت‌کنندگان و پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری سال ۱۳۸۷ صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد، در صورت اعمال معدل کتبی دیپلم بعنوان سابقه تحصیلی، اختلاف بین



بزرگترین و کوچکترین معدل‌ها، بیش از اختلاف در نمره کل‌ها خواهد بود. این امر بخصوص در استان‌های محروم همچون استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و لرستان، نسبت به استان‌های دیگر کاملاً مشهود است. بطور کل سطح سوابق تحصیلی در این استان‌ها به مراتب پایین‌تر از استان‌هایی همچون تهران، یزد و اصفهان است.

\* امکان رسوخ و گسترش فساد مالی پیرامون آزمون در سیستم‌های قائم به توانایی‌های فردی دبیران.

با توجه به مطالب ذکر شده، باید دید که آیا طرح حذف کنکور با تمام مزایا، معایب و موانع آن عملی خواهد شد یا خیر؟ آیا فرایند کنکور در کشور ما که به شکل کنونی آن در سطحی ملی برگزار می‌شود، از فرایند گزینش دانشجو حذف خواهد شد یا خیر؟ آیا اینکه ساختار کنونی آن تغییر خواهد کرد؟ و در نهایت سال حذف کنکور یا تغییر ساختار آن چه سالی خواهد بود؟

با در نظر گرفتن مطالب بالا بر آن شدیم تا تحقیقی در این زمینه انجام دهیم و نظر داوطلبان را که اصلی‌ترین مشتریان این طرح هستند جویا شویم. در این راستا مخاطبان را دانشجویان کارشناسی در نظر گرفتیم که حداقل یک بار آزمون سراسری را تجربه کرده باشند و چگونگی برگزاری و شرکت در این آزمون برای آنها کاملاً روشن باشد.

#### پیشینه تحقیق

اگر چه فرض می‌شود که آزمون‌های استاندارد شده در قرن بیستم ظهور کرده‌اند اما ریشه آن به ارزیابی‌های صورت گرفته توسط سرویس خدمات شهری امپراتوری چین برمی‌گردد و سرآغاز آن ۲۰۰ سال قبل از میلاد بوده است. برخی نیز متقدند که ایده گزینش داوطلبان برای ورود به آموزش عالی با برگزاری آزمون، ریشه‌ای اسپانیایی دارد. اما آزمون‌های ورودی استاندارد برای اولین بار در دهه‌های اول قرن بیستم در آمریکا اجرا شدند. در کشور ما، امروزه کمتر فردی را می‌توان یافت که در یک آزمون در مقیاس وسیع شرکت نکرده باشد. این آزمون‌ها جهت گزینش افراد شایسته به آموزش عالی برگزار می‌شوند و از استاندارد بالایی برخوردارند. تجربه سازمان سنجش آموزش کشور در امر برگزاری آزمون‌ها همواره رو به بهبود بوده است. در عین حال باید گفت که همواره دیدگاه‌های موافق و مخالف بسیاری

در مورد این آزمون‌ها وجود داشته و دارد که نظرات همه آنها قابل توجه است. آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها دارای سابقه طولانی در سطح دنیا می‌باشند و تجارب زیادی در این زمینه وجود دارد و می‌توان از طریق بومی‌سازی تجارب کشورهای دیگر جهت بهبود سیستم موجود پذیرش دانشجو در ایران بهره جست (ذولفقارنسب و یادگارزاده، ۱۳۹۰)

بررسی‌ها نشان می‌دهند که در کشور ما منابع محدودی در خصوص آزمون‌ها و نظر سنجی در این خصوص وجود دارد و بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته نیز به بررسی معایب این آزمون‌ها پرداخته‌اند. در ادامه ابتدا به مواردی اشاره می‌کنیم که ضرورت گزینش دانشجو را بر اساس آزمون بیان می‌کنند. سپس مواردی از معایب مطرح شده در خصوص گزینش بر اساس آزمون را می‌آوریم.

عرب‌مازار (۱۳۷۱) بیان کرد که اهمیت و ضرورت گزینش دانشجو از آن جهت واضح است که ارزش نیروی انسانی متخصص که بتواند چرخ‌های عظیم پیشرفت و ترقی در جامعه را بگرداند، روز به روز بیشتر احساس می‌شود. با توجه به کمبود ظرفیت دانشگاه‌ها و لزوم استفاده هر چه بیشتر و بهتر از توانایی‌های جوانان و امکانات آموزشی کشور لزوم دقت و توجه در گزینش دانشجو آشکار می‌شود. کاردان (۱۳۸۱) به راه‌های عمده گزینش بهتر دانشجو اشاره نموده است. به اعتقاد کاردان ارزشیابی روش‌های گزینش دانشجو در همه سطوح آموزش عالی ضروری است و در این کار بیش از هر چیز باید مبانی فلسفی نهفته در آنها را شناخت و برای بهبود آنها با توجه به دگرگونی نقش دانشگاه در جامعه و شرایط لازم برای تحصیلات دانشگاهی از یک سو و ویژگی‌هایی که دانشجو باید داشته باشد از سوی دیگر مبانی تازه‌ای را مشخص ساخت. فیثمن و پسلا (۱۹۶۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعات مربوط به پذیرش دانشگاه» بیان کردند که آزمون بر اساس روش‌های استاندارد استعدادیابی و نیز نتایج امتحانی که توسط سازمان‌های ملی و منطقه‌ای انجام می‌شود، بخش قابل قبول و پذیرفته‌شده‌ای از فرایند پذیرش و انتخاب دانشجو است. نیک‌نژاد (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «دانشگاه ویژه، روشی نو در پذیرش دانشجو» به جستجوی یک سیستم آموزشی فرضی «ایده‌آل» می‌رود و سرانجام به جاده هموار «دانشگاه ویژه» گام می‌نهد، تا بتواند دروازه‌ای دیگر را برای ادامه تحصیل همه علاقه‌مندان در مقاطع مختلف تحصیلی بگشاید.

به نظر آتکین‌سون (۲۰۰۱)، باید در آزمون ورودی دانشگاه‌های ایالتی بازنگری شود. از این رو برای بهبود آزمون ورودی، ایالت‌ها در حال تهیه ایده‌های بهتری در آن باره هستند. برای نمونه آزمون جدید و بازسازی شده، یک نمونه نوشتاری دارد که داوطلب ۲۵ دقیقه زمان خواهد داشت تا مقاله‌ای خوب با هنجارهای دستوری و علمی بنویسد. افزون بر این، در این آزمون توانایی ریاضی فرد در سطوح مختلف بررسی می‌شود. نتایج چندین بررسی نشان می‌دهد که دانش آموزانی که در درس ریاضی دبیرستان از سطح بالایی برخوردار بوده‌اند، در دانشگاه موفق‌ترند (ایالات متحده آمریکا امروز، ۲۰۰۵). نهضت (۱۳۵۱) نشان داد که بین نمرات امتحان ورودی دانشگاه و امتحانات دبیرستان رابطه نزدیکی وجود داشته و ضرایب همبستگی آنها بین ۰/۳ تا ۰/۷ بوده. آقازاده (۱۳۷۷) نشان داد که ورود داوطلبانی که سوابق تحصیلی درخشانی ندارند و توانمندی‌های لازم را برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها کسب نکرده‌اند، آثار منفی بر کار دانشگاه‌ها می‌گذارد. همچنین جاودانی (۱۳۸۶) بیان کرد که بدون شک وجود ساز و کارهایی که موجب شود، کسانی که از توانایی بیشتر برخوردارند به عرصه آموزش عالی راه یابند امری ضروری است. برخی محققان در پژوهش‌های خود دریافته‌اند که تاثیر خودپنداره در پیشرفت تحصیلی بسیار زیاد است و حتی بیشتر از هوش موثر است و انگیزه پیشرفت به تنهایی کافی نیست بلکه فرد باید علاوه بر انگیزه بالا، خودپنداره مثبتی نیز از خود داشته باشد (دارابی، ۱۳۸۰). ابوالقاسمی (۱۳۸۱) شیوع اضطراب امتحان در دانش آموزان دبیرستانی ایرانی را ۱۷,۲ درصد گزارش کرده است. در یک مطالعه مشابه معلوم شد که داوطلبان شهری و کسانی که تحصیلات والدین آنان بیشتر است شانس بیشتری برای ورود به آموزش عالی دارند. در ضمن وضعیت خوب اقتصادی خانواده تاثیر مثبتی بر ورود فرزندان به دانشگاه دارد (قارون، ۱۳۸۵). نوغابی (۱۳۸۶) عرصه رقابت برای ورود به آموزش عالی را الزاماً استعداد دانش‌آموزان نمی‌داند و حمایت‌های اقتصادی-فرهنگی خانواده را مهم می‌داند و نتیجه می‌گیرد که سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی سهم مثبت و معناداری بر احتمالی قبولی و نمره کسب شده داوطلبان دارد. آمار و ارقام موجود در نمرات پذیرفته شدگان کنکور سراسری سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ حاکی از این واقعیت است که دانشجویان فاقد کیفیت لازم برای آموزش عالی به دانشگاه‌ها راه یافته‌اند. در سال

۱۳۶۷ در گروه‌های علوم تجربی و ریاضی بیش از ۷۰ درصد پذیرفته شدگان با نمرات کمتر از ده وارد دانشگاه شده‌اند. بر اساس پژوهش‌های فوق می‌توان پرسید: سرنوشت کسانی که با امتیازات ویژه (رانت) از سد کنکور گذر داده می‌شوند، در دوره تحصیلی در دانشگاه چه می‌شود؟ (وحیدی، ۱۳۷۹). با نگاهی به پژوهش‌ها، دیده می‌شود که دلهره زیاد از کنکور یا هر آزمون دیگر، کارکرد فرد را پایین می‌آورد و می‌تواند کاهش توجه و تمرکز، فراموشی و حواس پرتی، افزایش میزان خطا، کاهش نوآوری، کاهش چابکی در کار یا پاسخ‌دهی، کاهش توان سازماندهی و کاهش در توان حافظه کوتاه مدت و بلند مدت را در پی داشته باشد (زیدنر، ۱۹۹۲؛ بن‌سون، بندولاس وهاچین‌سون، ۱۹۹۴). صادقی (۱۳۷۸) نیز در پژوهش خود، میان دلهره آزمون و کام‌یابی در کنکور رابطه‌ای منفی و معنادار یافت. فرآیند برگزاری کنکور، می‌تواند دلهره‌زا باشد. زیرا نمی‌توان دانسته‌ها و مهارت‌های یک نفر را که در طول مدت ۱۲ سال به دست آمده، در یک آزمون یک یا دو روزه و با ۳۰۰ پرسش چند گزینه‌ای دریافت. (حج فروش، ۱۳۸۱؛ کاردان، ۱۳۸۱). بهرامی (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای بر روی ۴۰۰ دانش آموز دبیرستانی دختر و پسر اصفهان نشان داد که ۴۱ درصد آنان اضطراب امتحان دارند. سبحانی و شهیدی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در پذیرش دانشجو» بیان کردند که باید از اقدامات شتاب‌زده در خصوص تغییر در آزمون سراسری پرهیز کرد و یکی از کارهای که می‌تواند اضطراب ناشی از کنکور را کاهش دهد برگزاری آن بیش از یک بار در سال است. همچنین اظهار کردند که بیان شرایط فردی مورد نیاز برای داوطلبان از طرف دانشگاه‌ها می‌تواند به داوطلبان کمک کند که بدانند استعداد و توانایی لازم را در رشته شهر مورد نظر دارند یا نه.

با توجه به بیانات مذکور و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، هدف این پژوهش پاسخگویی به سوال‌های اصلی زیر می‌باشد:

۱. آیا جنسیت پاسخ دهندگان بر تعداد دفعات شرکت در آزمون سراسری، ترجیح در مورد نوع ورود به آموزش عالی و تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو تأثیر گذار است؟
۲. آیا تعداد دفعاتی که پاسخ دهندگان در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند بر ترجیح آنها

- در مورد نوع ورود به آموزش عالی، تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو، افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی در بالا بردن معدل با حذف آزمون سراسری و نظر آنها در مورد تأثیر سوابق تحصیلی بر میزان اضطراب داوطلبان تأثیر گذار است؟
۳. آیا از دیدگاه دانشجویان حذف آزمون سراسری می‌تواند باعث افزایش تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی برای بالا بردن معدل شود؟
۴. آیا از دیدگاه دانشجویان تأثیر سوابق تحصیلی در پذیرش دانشجو می‌تواند بر میزان استرس داوطلبان آزمون سراسری تأثیر گذار باشد؟
۵. از دیدگاه دانشجویان چه عواملی بر عدم موفقیت برخی از داوطلبان در آزمون سراسری می‌تواند تأثیر گذار باشد؟
۶. محاسن و معایب طرح حذف آزمون سراسری از دیدگاه دانشجویان چیست؟

## روش

این تحقیق از نوع کاربردی می‌باشد و با توجه به ماهیت موضوع و اهداف طرح، روش انجام پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی استان تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۷ هستند.

در این پژوهش از نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بنابراین برای گردآوری داده‌های مربوط به این پژوهش ابتدا ۴ دانشگاه (تهران، شهید بهشتی، امیر کبیر و تربیت معلم) با روش تصادفی ساده<sup>۱</sup> تعیین شدند. حجم نمونه لازم با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه با حجم نامشخص و پارامترهای پیشنهادی  $p = 0.5$  و  $d = 0.07$  محاسبه شد که نمونه‌ای به تعداد ۱۹۶ را پیشنهاد کرد و در نهایت عدد ۲۰۰ برای ادامه تحقیق انتخاب شد. هر دانشگاه ۵۰ نمونه. پرسشنامه مورد نظر طراحی، به روش تصادفی توزیع، تکمیل و جمع‌آوری شد (از هر دانشگاه ۵۰ دانشجو (۲۵ دانشجوی دختر و ۲۵ دانشجوی پسر)). در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته (چندگزینه‌ای و ۲ سوال

پاسخ باز) برای بررسی نگرش دانشجویان در مورد حذف آزمون سراسری استفاده شده است که پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ مقدار  $0/85$  به دست آمده که در حد مناسب می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. در سطح توصیفی با استفاده از شیوه‌های آماری نظیر جدول توزیع فراوانی به توصیف داده‌ها پرداخته شده است و در سطح تحلیلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون (خی دو)  $\chi^2$  استفاده شده است. نرم افزار مورد استفاده برای این تحقیق Spss ۲۰ می‌باشد.

### یافته‌ها

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد  $50\%$  از پاسخگویان (پرسشنامه‌های جمع آوری شده) زن و  $50\%$  آنها مرد می‌باشند.  $62,5\%$  از پاسخگویان یک بار،  $27\%$  دو بار،  $5\%$  سه بار و  $5,5\%$  از ایشان بیش از سه بار در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند. همچنین نظر پاسخگویان در مورد نوع ورود به آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به صورت جدول زیر می‌باشد:

▼ جدول ۱: توزیع فراوانی نظر پاسخ دهندگان در مورد ترجیح نوع ورود به آموزش عالی

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	
۴۱	۲۰/۵۰	۲۰/۵۰	آزمون سراسری
۴۷	۲۳/۵۰	۴۴	سوابق تحصیلی
۷۸	۳۹	۸۳	آزمون سراسری با تاثیر سوابق تحصیلی
۳۴	۱۷	۱۰۰	سایر روش‌ها
۲۰۰	۱۰۰		جمع کل

همانطور که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود،  $39\%$  درصد از افراد نمونه برای ورود به آموزش عالی آزمون سراسری با تاثیر سوابق تحصیلی،  $23/5\%$  درصد سوابق تحصیلی و  $20/5\%$  درصد آزمون سراسری را مناسب می‌دانند و  $17\%$  درصد از پاسخگویان به گزینه سایر روش‌ها

1. Chi squar (  $\chi^2$  )

اشاره کرده‌اند. نظر پاسخگویان در مورد مهمترین علت ناموفق بودن برخی از داوطلبان نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ۳۶ درصد از افراد نمونه مهم‌ترین علت ناموفق بودن برخی از داوطلبان را عدم وجود انگیزه، ۳۰ درصد نوع مدرسه و محیط آموزشی، ۱۲/۵ درصد آشفتگی بازار کار در آینده، ۸/۵ درصد عدم توانایی داوطلب، ۷ درصد خانواده و ۵ درصد عدم استفاده از کلاس‌های کمک آموزشی می‌دانند و ۱ درصد گزینه‌ی سایر موارد را انتخاب کرده‌اند. نظر پاسخگویان در مورد تأثیر حذف آزمون سراسری بر میزان اضطراب داوطلبان نیز مورد بررسی قرار گرفت نتایج حاصل نشان داد که ۳۸ درصد از افراد نمونه معتقدند که تأثیر سوابق تحصیلی یا شرط معدل در آزمون سراسری اضطراب داوطلبان را افزایش می‌دهد، ۳۶/۵ درصد معتقدند که اضطراب داوطلبان را کاهش می‌دهد و ۲۵/۵ درصد معتقدند که تأثیری بر میزان اضطراب داوطلبان ندارد. که این نتایج می‌تواند حاکی از آن باشد که تاثیر سوابق تحصیلی می‌تواند این نگرانی را در داوطلبان ایجاد کند که شاید عملکرد تحصیلی‌شان بر نتیجه آزمون آنها تاثیر بگذارد و این نگرانی اضطراب آنها را افزایش دهد. نظر پاسخگویان در مورد تأثیر حذف آزمون سراسری بر افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی آنها در بالا بردن معدل نیز مورد بررسی قرار گرفت. ۶۹ درصد از افراد نمونه اظهار داشته‌اند که با حذف آزمون سراسری فعالیت و برنامه‌ریزی خود را در بالا بردن معدل افزایش می‌دهند (۳۲/۵ درصد مرد، ۳۶/۵ درصد زن) و ۳۱ درصد از افراد نمونه اظهار داشته‌اند که حذف آزمون سراسری تأثیری بر فعالیت و برنامه‌ریزی آنها در بالا بردن معدل ندارد (۱۷/۵ درصد مرد، ۱۳/۵ درصد زن). همچنین نظر پاسخگویان در مورد تاثیر حذف آزمون سراسری بر تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که ۵۸ درصد از افراد نمونه معتقدند که حذف آزمون سراسری تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها را افزایش می‌دهد، ۲۹/۵ درصد معتقدند که حذف آزمون سراسری تأثیری بر تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها ندارد و ۱۲/۵ درصد معتقدند که حذف آزمون سراسری تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها را کاهش می‌دهد. نظر پاسخگویان در مورد تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که ۷۶/۵ درصد از افراد نمونه مایلند استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو

در نظر گرفته شود (۳۷ درصد مرد، ۳۹/۵ درصد زن) و ۲۳/۵ درصد از افراد نمونه مخالف تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجوی می‌باشند (۱۳/۵ درصد مرد، ۱۰ درصد زن). نظر پاسخگویان در مورد اینکه چه درس‌ها یا محتوای دیگری را در پذیرش دانشجوی لازم می‌دانند، مورد بررسی قرار گرفت. این سوال به صورت بازپاسخ طراحی شده و نتایج تا حد ممکن طبقه بندی شد. نتایج نشان داد که فقط ۷۵ نفر از افراد نمونه به سؤال فوق پاسخ داده‌اند. با دسته بندی پاسخ‌ها در نهایت سه رده‌ی زیر بدست آمد:

\* تمرکز بیشتر بر درس‌های اختصاصی،

\* تمرکز بیشتر بر درس‌های عمومی،

\* حذف دروس عمومی.

از افراد پاسخ دهنده، ۳۱ نفر (۱۵،۵ درصد) به سه گزینه‌ی بالا اشاره کرده‌اند و سایرین پاسخ‌های بی ربط و غیر قابل استفاده داده بودند که از تحقیق حذف شد. از پاسخ‌های مرتبط، ۹/۵ درصد معتقد بر تمرکز بیشتر بر دروس اختصاصی، ۴ درصد معتقد بر تمرکز بیشتر بر دروس عمومی و ۲ درصد معتقد بر حذف دروس عمومی می‌باشند. ۸۴/۵ درصد از افراد نیز پاسخ بی‌ربط داده‌اند. ارتباط جنسیت افراد نمونه با تعداد دفعات شرکت در آزمون سراسری نیز مورد بررسی قرار گرفت نتایج نشان داد که ۶۲/۵ درصد از پاسخگویان یک بار (۲۲/۵ درصد مرد، ۴۰ درصد زن)، ۲۷ درصد دو بار (۱۷ درصد مرد، ۱۰ درصد زن)، ۵ درصد سه بار (۱ درصد مرد، ۴ درصد زن) و ۵/۵ درصد بیش از سه بار (۱/۵ درصد مرد، ۴ درصد زن) در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری ۰/۹۳۷) استقلال جنسیت و تعداد دفعات شرکت در آزمون سراسری پذیرفته می‌شود. همچنین ارتباط جنسیت افراد نمونه با نظر آن‌ها در مورد نوع ورود به آموزش عالی نیز مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل به شرح زیر می‌باشد:

\* از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان مرد، ۲۱/۵ درصد آن‌ها در مورد نوع ورود به آموزش عالی آزمون سراسری با تاثیر سوابق تحصیلی، ۱۰/۵ درصد آزمون سراسری، ۹ درصد سوابق تحصیلی و ۹ درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند.

\* همچنین از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان زن، ۱۷/۵ درصد آن‌ها در مورد نوع ورود به



آموزش عالی آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی،  $14/5$  درصد سوابق تحصیلی،  $10$  درصد آزمون سراسری و  $8$  درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند. که مشاهده می‌شود در هر دو جنس آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی بیشترین درصد فراوانی را دارد.

\* به طور کلی  $83$  درصد از پاسخ‌دهندگان آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی را برای ورود به آموزش عالی انتخاب کرده‌اند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری  $0/316$ ) استقلال جنسیت و ترجیح در مورد نوع ورود به آموزش عالی پذیرفته می‌شود. یعنی نمی‌توان که ترجیح پاسخ‌دهندگان در مورد نوع ورود به آموزش عالی به جنسیت آنها وابسته است.

با بررسی ارتباط جنسیت افراد نمونه با نظر آنها در مورد تأثیر سوابق تحصیلی بر میزان اضطراب داوطلبان با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری  $0/415$ ) استقلال این دو نتیجه شد. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری  $0/221$ ) جنسیت افراد نمونه و افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی آنها برای بالا بردن معدل با حذف آزمون سراسری، مستقل هستند. جنسیت افراد نمونه با نظر آنها در مورد تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از آن به شرح زیر می‌باشد:

▼ جدول ۲: جدول توافقی درصد فراوانی جنسیت افراد نمونه با نظر آنها در مورد تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو

جمع	جنسیت		
	زن	مرد	
$76/5$	$39/5$	$37$	بلی
$23/5$	$10/5$	$13$	خیر
$100$	$50$	$50$	درصد فراوانی

تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو

از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان مرد، ۳۷ درصد تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند و ۱۳ درصد تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو ندارند. از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان زن، ۳۹/۵ درصد تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند و ۱۰/۵ درصد تمایل ندارند.

مشاهده می‌شود که در مجموع تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو بیشترین درصد فراوانی را دارد (۷۶/۵ درصد). همچنین فرض استقلال جنسیت داوطلبان از تمایل آنها به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو نیز مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نتایج حاصل از آزمون مربع کای دو (با سطح معنی‌داری ۰/۴۰۴) استقلال آن دو پذیرفته شد.

همچنین ارتباط بین تعداد دفعاتی که افراد نمونه در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند با نظر آنها در مورد نوع ورود به آموزش عالی نیز مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل به شرح زیر می‌باشد:

✉ از ۶۲/۵ درصد از افراد نمونه که یک بار در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند، نظر ۲۸ درصد در مورد نوع ورود به آموزش عالی آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی، ۱۵ درصد سوابق تحصیلی و ۱۰/۵ درصد آزمون سراسری می‌باشد و ۳/۵ درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند.

\* از ۲۷ درصد شرکت‌کنندگانی که دو بار در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند، نظر ۹/۵ درصد در مورد نوع ورود به آموزش عالی، آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی، ۸ درصد آزمون سراسری، ۵/۵ درصد سوابق تحصیلی می‌باشد و ۴ درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند.

\* از ۵ درصد شرکت‌کنندگانی که سه بار در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند، نظر ۱ درصد در مورد نوع ورود به آموزش عالی، آزمون سراسری، ۲ درصد سوابق تحصیلی و ۰/۵ درصد آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی می‌باشد و ۱/۵ درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند.

\* از ۵/۵ درصد شرکت‌کنندگانی که بیش از سه بار در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند، نظر ۱ درصد در مورد نوع ورود به آموزش عالی، آزمون سراسری، ۱ درصد سوابق تحصیلی و ۱ درصد آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی می‌باشد و ۲/۵ درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند. به طور کلی مشاهده می‌شود که آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی بیشترین درصد فراوانی را در بین سایر گزینه‌ها دارد (۳۹ درصد).

با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری ۰/۰۷۲) استقلال تعداد دفعاتی که افراد نمونه در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند از نظر آن‌ها در مورد نوع ورود به آموزش عالی پذیرفته می‌شود. یعنی نمی‌توان گفت که نظر آن‌ها در مورد نوع ورود به آموزش عالی به تعداد دفعاتی که در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند وابسته است. ارتباط بین نظر پاسخگویان درباره تأثیر حذف آزمون سراسری بر افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی آنها در بالا بردن معدل و تعداد دفعاتی که در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند نیز مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری ۰/۰۱۲) استقلال این دو رد می‌شود. یعنی نمی‌توان ادعا کرد که ارتباطی بین تعداد دفعاتی که پاسخ‌دهندگان در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند و نظر آنها در مورد تأثیر حذف آزمون سراسری بر افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی در بالا بردن معدل وجود ندارد. با بررسی ارتباط بین تمایل پاسخگویان به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجویان و تعداد دفعاتی که در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند (با سطح معنی‌داری ۰/۶۰۷) استقلال این دو نتیجه شد. یعنی نمی‌توان گفت تمایل پاسخ‌دهندگان به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجویان به تعداد دفعاتی که در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند وابسته است.

▼ جدول شماره ۳: جدول توافقی درصد فراوانی نظر افراد نمونه در مورد نوع ورود به آموزش عالی با تمایل آنها به تأثیر استعداد، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو

نوع ورود به آموزش عالی						
جمع	سایر روش‌ها	آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی	سوابق تحصیلی	آزمون سراسری		
۷۶,۵	۱۳,۵	۳۱	۱۷,۵	۱۴,۵	بلی	تمایل به تأثیر استعداد
۲۳,۵	۳,۵	۸	۶	۶	خیر	تحصیلی، هوش و مطالعات
۱۰۰	۱۷	۳۹	۲۳,۵	۲۰,۵	جمع	آزاد در پذیرش دانشجو

ارتباط نظر پاسخگویان در مورد نوع ورود به آموزش عالی با تمایل آنها به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از آن به شرح زیر می‌باشد:

\* از ۷۶,۵ درصد پاسخ دهندگان که تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند، نظر ۳۱ درصد در مورد نوع ورود به آموزش عالی آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی، ۱۷,۵ درصد سوابق تحصیلی و ۱۴,۵ درصد آزمون سراسری می‌باشد و ۱۳,۵ درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند.

\* از ۲۳,۵ درصد پاسخ دهندگان که تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو ندارند، نظر ۶ درصد در مورد نوع ورود به آموزش عالی، آزمون سراسری، ۶ درصد سوابق تحصیلی و ۸ درصد آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی می‌باشد و ۳,۵ درصد گزینه‌ی سایر روش‌ها را انتخاب کرده‌اند.

\* همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی داری ۰/۷۰۲) استقلال ترجیح پاسخگویان در مورد نوع ورود به آموزش عالی و تمایل آنها به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو پذیرفته می‌شود.

با بررسی ارتباط نظر افراد نمونه در مورد تأثیر سوابق تحصیلی یا شرط معدل بر میزان اضطراب داوطلبان و نظر آنها در مورد تأثیر حذف آزمون سراسری بر افزایش فعالیت و

برنامه‌ریزی‌شان در بالا بردن معدل، با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری ۰) استقلال این دو رد می‌شود. همچنین با بررسی تأثیر حذف آزمون سراسری بر افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی افراد نمونه در بالا بردن معدل از تمایل آن‌ها به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای دو (با سطح معنی‌داری ۰/۹۹) استقلال این دو نتیجه می‌شود.

### سایر یافته‌ها

از ۳۹ درصد پاسخ‌دهندگان که آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی را بهترین گزینه برای ورود به آموزش عالی می‌دانند، ۳۱ درصد تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند و ۸ درصد تأثیر آن را لازم می‌دانند. ۶۲/۵ درصد از پاسخگویان یک بار در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند. از این تعداد ۲۸ درصد آنها آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی را بهترین گزینه برای ورود به آموزش عالی می‌دانند (۱۰/۵ درصد آزمون سراسری، ۱۵ درصد سوابق تحصیلی، ۹ درصد سایر روش‌ها). ۲۳/۵ درصد از کل افراد نمونه اعتقاد به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو ندارند. از این تعداد ۱۳ درصد آنها را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین ۸ درصد آنها آزمون سراسری با تأثیر سوابق تحصیلی را بهترین گزینه برای ورود به آموزش عالی می‌دانند. نظر ۲۰،۵ درصد افراد شرکت‌کننده در نظر سنجی برای ورود به آموزش عالی، آزمون سراسری (۱۰،۵ درصد مرد و ۱۰ درصد زن)، ۲۳،۵ درصد سوابق تحصیلی (۹ درصد مرد و ۱۴،۵ درصد زن) و ۱۷ درصد گزینه سایر روش‌ها (۹ درصد مرد و ۸ درصد زن) را انتخاب کرده‌اند. از ۶۹ درصد از افراد نمونه که با حذف آزمون سراسری فعالیت و برنامه‌ریزی خود را در بالا بردن معدل افزایش می‌دهند، ۵۰،۵ درصد تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند و ۱۸،۵ درصد تمایل ندارند و از ۳۱ درصد افراد نمونه که با حذف آزمون سراسری فعالیت و برنامه‌ریزی خود را در بالا بردن معدل افزایش نمی‌دهند، ۲۶ درصد تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند و ۵ درصد تمایل ندارند. از ۲۳،۵ درصد از افراد نمونه که نظرشان برای ورود به آموزش عالی

سوابق تحصیلی می‌باشد، ۲۲٫۵ درصد با حذف آزمون سراسری فعالیت و برنامه‌ریزی خود را در بالا بردن معدل افزایش می‌دهند و از ۳۹ درصد از افراد نمونه که نظرشان برای ورود به آموزش عالی آزمون سراسری با تاثیر سوابق تحصیلی می‌باشد، ۲۴٫۵ درصد با حذف آزمون سراسری فعالیت و برنامه‌ریزی خود را در بالا بردن معدل افزایش می‌دهند. همچنین نظر پاسخ‌دهندگان در مورد تاثیر حذف آزمون سراسری بر افزایش فعالیت و برنامه‌ریزی آنها در بالا بردن معدل به تعداد دفعاتی که در آزمون سراسری شرکت کرده‌اند (با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۸) وابسته است، که میزان این همبستگی ۰/۱۸ می‌باشد. ۱۵/۵ درصد از افراد نمونه تمایل به لحاظ کردن دروس یا محتوای دیگر در پذیرش دانشجو دارند (۹ درصد مرد، ۶/۵ درصد زن).

همچنین نظر دانشجویان در مورد محاسن و معایب طرح حذف آزمون سراسری نیز مورد بررسی قرار گرفت. این سوال نیز به صورت بازپاسخ طراحی شده است. نتایج حاصل به شرح زیر بدست آمد:

#### نقاط ضعف:

- کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه‌های درجه ی دوم و سوم (۲۳٪).
- کاهش قبولی دانش آموزان مناطق محروم (۱۵٪).
- عدم همسانی در مدارس کشور به لحاظ سطح علمی (۶۰٪).
- عدم وجود آزمونهای استاندارد و نهایی در سیستم آموزش و پرورش (۷۱٪).

#### نقاط قوت:

- اعمال سابقه تحصیلی دانش آموزان در گزینش آنها برای رشته‌های دانشگاهی (۸۵٪).
- انتخاب رشته و دانشگاه مورد علاقه توسط دانش آموزان متناسب با سوابق ایشان (۱۲٪).
- کاهش پیامدهای ناگوار ناشی از ناکامی در کنکور (فرار از خانه، خودکشی، افسردگی و ... (۱۳٪).
- کاهش درآمد موسسات آزاد (۲٪).
- ورود به دانشگاه بر اساس شایستگی (۷۶٪).

□ روش تستی قابلیت ارزیابی صحیح توانایی‌ها را در یک امتحان چند ساعته ندارد (۱۷٪).  
 □ فعال شدن روش‌های تحلیلی و تیمی آموزش در مدارس و ارزشمند شدن معلمان فعال (۴۳٪).

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نگرش دانشجویان درباره طرح حذف آزمون سراسری و جایگزینی آن با سوابق تحصیلی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهند، مقدار قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان (۷۶/۵ درصد) تمایل به تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو دارند. این مطلب می‌تواند حاکی از آن باشد که داوطلبان معتقدند آزمون سراسری، برخی از استعدادهای آنها را نادیده گرفته و در نظر گرفتن آن استعدادهای می‌تواند در قبولی داوطلب در رشته مورد علاقه تأثیر مثبت داشته باشد. این نتیجه، با یافته‌های حج فروش، کاردان و وحیدی همسو است.

تحقیقات آفازاده نشان داد که ورود داوطلبانی که سوابق تحصیلی درخشانی ندارند و توانمندی‌های لازم را برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها کسب نکرده‌اند، آثار منفی بر عملکرد دانشگاه‌ها می‌گذارد. همچنین جاودانی بیان کرد که بدون شک وجود ساز و کارهایی که موجب شود کسانی که از توانایی بیشتر برخوردارند به عرصه آموزش عالی راه یابند، امری ضروری است. فیشمن و پسلا بیان کردند که آزمون بر اساس روش‌های استاندارد استعدادیابی، بخش قابل قبول و پذیرفته‌شده‌ای از فرآیند پذیرش و انتخاب دانشجو است. همگی این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر که بر اساس آن، اکثریت پاسخ‌دهندگان تمایل به برگزاری آزمون سراسری با تأثیر استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد و تأثیر سوابق تحصیلی دارند، مطابقت دارند.

بر اساس نتایج در نظر گرفتن استعداد تحصیلی، هوش و مطالعات آزاد در پذیرش دانشجو در برگزاری آزمون سراسری به همراه تأثیر سوابق تحصیلی می‌تواند به افزایش کیفیت گزینش دانشجو و در نتیجه ارتقاء سطح علمی آموزش عالی در کشور از طریق ورود افراد لایق و در نهایت تربیت نیروی انسانی متبحر، کاردان و شایسته کمک شایانی کند.

۶۹ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که با حذف آزمون سراسری، فعالیت و برنامه‌ریزی خود را برای بالا بردن معدل افزایش می‌دهند که این امر، نشان دهنده افزایش انگیزه برای ارتقاء معدل در میان داوطلبان می‌باشد. این مطلب نیز همسو با نتایج دارابی (۱۳۸۰) است که نشان داد تأثیر خودپنداره در پیشرفت تحصیلی بسیار زیاد است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که از نظر ۳۸ درصد پاسخ‌دهندگان، حذف آزمون سراسری و تأثیر سوابق تحصیلی، اضطراب داوطلبان را افزایش می‌دهد، بطوری که می‌توان بیان کرد با حذف آزمون سراسری، اضطراب ناشی از آن از بین نمی‌رود، بلکه بطور ناخواسته به دوره متوسطه و امتحان‌های آن منتقل خواهد شد. همان‌طور که بهرامی و ابوالقاسمی وجود اضطراب امتحان را در بین دانش‌آموزان نشان داده‌اند، حذف آزمون سراسری می‌تواند این اضطراب را بیش از پیش افزایش دهد.

همچنین بر اساس نظر ۳۶ درصد پاسخ‌دهندگان عدم وجود انگیزه و از نظر ۳۰ درصد پاسخ‌دهندگان، نوع مدرسه و محیط آموزشی، به ترتیب بیشترین درصدهای فراوانی را در مورد مهم‌ترین علت ناموفق بودن برخی از داوطلبان به خود اختصاص داده‌اند. این مطلب را می‌توان همسو با یافته‌های قارون و نوغابی دانست که معتقدند عدم موفقیت داوطلبان می‌تواند با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همبستگی مثبت و معناداری داشته باشد، چرا که عدم وجود انگیزه و نوع مدرسه و محیط آموزشی می‌توانند منشأ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشند و بر اساس این یافته‌ها می‌توان اظهار داشت، ناموفق بودن در آزمون سراسری تنها ناشی از آزمون و اضطراب ناشی از آن نمی‌باشد، بلکه عوامل اقتصادی و اجتماعی نیز می‌توانند تأثیر بسزایی بر موفقیت یا عدم موفقیت داوطلبان داشته باشند.

نهضت نشان داد که بین نمرات امتحان ورودی دانشگاه و امتحانات دبیرستان، رابطه نزدیکی وجود دارد. در پژوهش حاضر نیز، اکثریت پاسخ‌دهندگان (۳۹ درصد) تمایل به تأثیر سوابق تحصیلی در پذیرش دانشجویان دارند نه حذف آزمون سراسری به طور کامل. این مطلب می‌تواند نشانگر این باشد که داوطلبان معتقدند تأثیر سوابق تحصیلی، تأثیر مثبتی در نتیجه آزمون آنها خواهد داشت و بر اساس رابطه بین نمرات دبیرستان و آزمون ورودی دانشگاه، می‌توان کیفیت گزینش دانشجویان را افزایش داد.



بررسی آمار و ارقام داوطلبان آزمون سراسری طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تعداد شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری، سیر نزولی داشته است. اما، حتی اگر عرضه و تقاضا یکسان شود، باز هم مشکل جابجایی وجود خواهد داشت. زیرا همواره تقاضا برای رشته‌های پرطرفدار و دانشگاه‌های معتبر، بسیار بیشتر از ظرفیت پذیرش آنها می‌باشد.

به این ترتیب، چه در کشورهایی که سیاست محدودیت تعداد قبول‌شدگان در آموزش عالی را دنبال می‌کنند و چه آن‌هایی که ورود به آموزش عالی را برای همه داوطلبان، به عنوان یک حق در نظر می‌گیرند، گزینش دانشجو بر مبنای انگیزه‌های گوناگونی شکل یافته و بر اساس دانشگاه یا سیاست‌های کلی هر کشور متفاوت است. اما در همه موارد سعی بر این است که نتیجه آزمون به انتخاب افراد اصلح منجر شود و به دانشگاه‌ها و مدارس عالی این امکان داده شود که از میان داوطلبان متعدد بهترین آنان را انتخاب کنند.

با توجه به آنکه آزمون سراسری با تغییرات و تحولاتی که طی سال‌های اخیر در آن ایجاد شده، معیاری است که می‌تواند به صورت استاندارد و عادلانه، فرآیند خطیر گزینش دانشجو را انجام دهد، می‌توان در برابر دیدگاه‌های متفاوتی که بر این فرآیند وارد است، برای از بین بردن پیامدهای منفی آن و بهبود عملکرد این فرآیند، بازسازی در ساختار کنونی کنکور را پیشنهاد کرد. به ویژه آنکه با روش‌های کنونی گزینش دانشجو، سنجش هوش و استعداد و علاقه داوطلبان در انتخاب رشته به صورت همه‌جانبه انجام نمی‌شود. همچنین ارتباط زیادی بین انتخاب رشته، نیاز جامعه و شغل آینده نیز دیده نمی‌شود. بنابراین، تجدید نظر در نحوه فعلی گزینش دانشجو ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. در این راستا، با توجه به اهمیت قابل توجه و تأثیر همه‌جانبه آزمون سراسری بر زندگی داوطلبان و جامعه باید توجه داشت که هر گونه تغییر در ساختار کنونی، باید بر اساس معیارهای صحیح، سنجیده، کارشناسانه و علمی باشد. بنحوی که اضطراب ناشی از آن را کاهش داده و بصورت عادلانه، موجب بهبود کیفیت انتخاب داوطلبان شایسته برای ورود به آموزش عالی گردد. و در نهایت، توصیه اکید اینک از اعمال طرح‌های جدید به صورت شتاب‌زده جداً خودداری گردد.

## منابع

- قلی‌پور، رحمت‌الله. آقابزرگی، ملکه. «گزارش بررسی پیش‌نویس لایحه‌گزینش دانشجو»، دفتر مطالعات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اسفند ۱۳۸۵.
- پاشاشریفی، حسن (۱۳۸۴). اصول روانسنجی و روان‌آزمایی. تهران، انتشارات رشد.
- نورشاهی، نسرین (۱۳۷۷). «تحولات نظام‌گزینش دانشجو برای دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی ایران با تاکید بر تحولات بین سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۸۵)». موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ص ۵۲-۵۱.
- قلی‌پور، رحمت‌الله. شجاعی، محمدرضا. شکوهی، مرتضی (۱۳۷۹). «بررسی نظام پذیرش دانشجو در ایران و ارائه الگوی مناسب». مجلس و پژوهش. سال ۱۲. شماره ۵۰-۴۹:۴۹-۱۱.
- بررسی نظام پذیرش دانشجو در کشور و ارائه الگوی پیشنهادی (مشمتمل بر بررسی تطبیقی، گزارش توجیهی و طرح پیشنهادی). دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴.
- قورچیان، نادرقلی، آراسته، حمیدرضا، جعفری، پریش (۱۳۸۳). دایره‌المعارف آموزش عالی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، جلد اول.
- طرح پیشنهادی سنجش و پذیرش دانشجو برای دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی - دفتر طرح و آمار - سازمان سنجش آموزش کشور، ویرایش ۸۷.
- مجلس شورای اسلامی - مصوبه کمیسیون آموزش و تحقیقات - مردادماه سال ۱۳۹۲.
- گزارش داخلی دفتر طرح و آمار - سازمان سنجش آموزش کشور، سال ۱۳۹۰.
- زوییک، ربه‌کا (۱۳۹۰). درآمدی بر آزمون‌های ورودی در آموزش عالی. یادگارزاده، غ؛ ذوالفقارنسب، س. تهران: روناس.
- عرب‌مازار، علی اکبر (۱۳۷۱)، «نگرش سیستمی به مسائل آموزش عالی ایران»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کردان، ع. م. (۱۳۸۱). مبانی‌گزینش دانشجو. در مجموعه مقالات سمینار بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها (صص. ۲۱۸-۲۰۷). اصفهان: خانه ریاضیات اصفهان.

نیک‌نژاد، عبدالحسین (۱۳۸۱)، «دانشگاه ویژه، روشی نو در پذیرش دانشجو»، مجموعه مقالات سمینا بررسی روش‌ها و مسائل آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، اصفهان.

آقازاده، احوذ (۱۳۷۷)، «اصول حاکم بر گزینش دانشجو در برخی از ممالک موفق جهان»، دانشگاه علامه طباطبایی.

دارابی، جعفر (۱۳۸۰). رابطه جو خانواده، پایگاه اجتماعی و مکان کنترل با انگیزش پیشرفت در دانش آموزان سال سوم متوسطه. در سال تحصیلی ۷۷-۷۸. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره سوم، دوره هفدهم، صص ۲۱-۳۸.

ابوالقاسمی، عباس (۱۳۸۱). بررسی میزان همه‌گیر شناسی اضطراب امتحان و اثر بخشی دو روش درمانی در کاهش اضطراب امتحان دانش آموزان دبیرستانی. پایان نامه دکتری روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

قارون، معصومه (۱۳۸۵)، «تاثیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوار بر تقاضا برای آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰، صص ۹۱-۱۱۰.

نوغابی، محسن (۱۳۸۶). تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی. فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۹۱، صص ۷۱-۱۰۱.

وحیدی، پریدخت، تجدید، تثبیت یا تشدید تقاضای اجتماعی آموزش عالی، کدام یک، چرا، چگونه، نخستین همایش بررسی مسائل و مشکلات و چشم انداز دانش‌آموختگان آموزش عالی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۷۹، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

صادقی، ن. (۱۳۷۸) بررسی عوامل موثر بر موفقیت و عدم موفقیت داوطلبان معدل بالای (۱۹-۲۰) در کنکور سراسری ۱۳۷۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء.

بهرامی، فاطمه (۱۳۷۶). بررسی عوامل موثر بر اضطراب دانش‌آموزان متوسطه دختر و پسر شهر اصفهان. شورای تحقیقات آموزش و پرورش اصفهان.

سبحانی، ع؛ شهیدی، م (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در پذیرش

دانشجو». دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۳: ۱۸۱-۱۶۱

حج فروش، ا. (۱۳۸۱). بررسی آسیب‌های کنکور بر برنامه‌های درسی دوره‌های متوسطه و پیش دانشگاهی و ارائه‌ی روش مناسب برای رفع آسیب‌ها. تهران: موسسه پژوهشی برنامه درسی و نوآوری‌های آموزشی.

نوغبی، محسن (۱۳۸۶). تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی. فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۹۱، صص ۷۱-۱۰۱.

Nasser Abu-Alhija, Fadia (2007). Large0scale testing: benefits and pitfalls. *Studies in Educational Evalution*, 33 (2007) 50-68.

Fishman, j.A., & Pasanella, K.A. (1960). *College Admission- Selection Studies*, American Educational Research Association.

USA Today. (Mars 2005). SAT improves, but states are brewing up a better. *Academic Search Premier*. [Retrieved from: <http://search.epnet.com/login.aspx>]

Zeidner, M. (1992). How do high school and college students cope with test situations? *British Journal of Educational Psychology*, 66, 115-128

Benson, J., Bandolas, D. L., & Hutchinson, L. (1994). Modeling test anxiety among males and females. *Anxiety, Stress, and Coping*, 7, 137- 148.